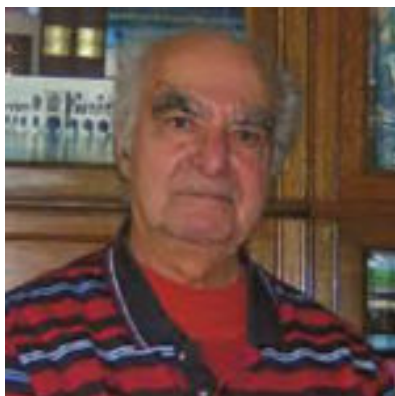


# درگذشت یک مصدقی و یار خلیل ملکی



## امیر پیشداد (۱۳۹۷-۱۳۵۷)

6 اسفند ماه 1397

امیر پیشداد چهره آشنا و همواره مبارزه سالها در راه استقلال، آزادی و برابری مردمان، دیگر در میان ما نیست. دیگر نه نگاه نافذش بر چهره ما خواهد نشست و نه سخن او را که با واژه هایی گزیده از سر دقت و فراست و بی هیچ عاریتی از کلمات خارجی بیان می شد به گوش خواهیم شنود. خط خوش او را که همواره پیام گرم مهر و دوستی و راستی بود، دیگر نخواهیم خواند. امیر متانت و وقار بود.

امیر پزشک بود و تحصیلات پزشکی خود را که در دانشگاه تهران آغاز کرده بود در دانشگاه پاریس تا بالاترین سطوح تخصصی به پایان رسانده بود. برای او پزشکی طریق مال اندوزی و کسب ثروت نبود. در درد و رنج و اضطراب و دلهره دیگران آرام و قرار نداشت. همه همدردی و همدلی و همراهی بود. صبور و پرحوصله و شنوا: در طی هم این سالها اندک نبودند هموطنانی که در جست و جوی درمان درد و بیماری به این سوی جهان و به سراغ امیر می آمدند، به یمن دانش پزشکی امیر و راهنماییهای او، آرامش و قرار تندرستی و سلامت را باز می یافتند. امیر از بنیانگذاران اصلی "انجمن پزشکان ایرانی در فرانسه" بود و در این انجمن، چندین بار به عضویت هیئت مدیره

انجمن و نیز به مقام دبیر کل انجمن برگزیده شد.

درسالهای تحصیل دانشگاهی، چه در ایران و چه در خارج از ایران، امیر از فعالان پایدار سندیکالیسم دانشجویی بود؛ در ایران از گردانندگان هفته نام [ ] "دانشجویان ایران" (۳۰ مهر ۱۳۳۰ - تیر ۱۳۳۲) بود و از بنیانگذاران "سازمان ملی دانشجویان ایران" (زمستان ۱۳۳۱). زمانی هم که به ادامه و تکمیل تحصیلات به فرانسه آمد (تابستان ۱۳۳۴) از کوشش و فعالیت در این راه باز نایستاد. از جمله به همت کسانی چون او بود که "اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه" از نو رونقی گرفت. فصلنامه ای که خود را "ناشر افکار دانشجویان ایرانی در اروپا" می خواست و نخستین مظهر همکاری دانشجویان ایرانی در کشورهای اروپای غربی گردید، "نام [ ] پاریس" (شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۳۸)، بی او نمی شد و نمی توانست بود. فصلنامه ای که انتشارش با استقبال فراوان اتحادیه های دانشجویان ایرانی در کشورهای مختلف اروپایی روبرو شد و با مباحثی که طرح کرد و آشنائیها و همکاریهایی که برانگیخت، سنگ بنای "کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا" گردید. از همین رو کنفدراسیون در نخستین کنگره عمومی خود (لندن، دسامبر ۱۹۵۸) تصویب کرد که ازین پس انتشار "نام [ ] پاریس" را بر عهده گیرد. و این چنین بود که در تمام سالهای فعالیت کنفدراسیون، انتشار "نام [ ] پاریس" به عنوان "ارگان تحقیقی" کنفدراسیون ادامه یافت.

از میان هم [ ] آنچه امیر بود و گفت و نوشت و کرد، چه بسا مهمترین آنها، حضور فعال و مشارکت هموار [ ] او بود در مبارزه برای دستیابی به آرمانهای استقلال، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم. سالهای آغازین جوانی امیر و نسل او، سالهای پیدایش و گسترش نهضت ملی کردن نفت ایران بود، نهضت بزرگی که پیام آور استقلال و آزادی بود و نه تنها در ایران که در بخش بزرگی از آنچه بعدها "جهان سوم" نامیده شد طنینی لرزه افکن انداخته بود. امیرهم، چون هزاران هزار زن و مرد و پیر و جوان دیگر، به صف پیکارگران و جویندگان استقلال و آزادی و برابری پیوست و ازین پس درین راه همچنان ثابت قدم ماند. سراسر این حضور و مشارکت و فعالیت پایدار را دو نام در ذهنها مجسم می کند: مصدق و ملکی.

مصدق که آزادی بود و حکومت قانون و رفتار و کرداری مبتنی بر اصول و رویه های دموکراتیک. مصدق که استقلال بود و "موازنه [ ] منفی" و بویژه ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران. امیر که به همراه گروهی از دانشجویان به دیدار مصدق رفته بود، هر زمان که ازین دیدار می

گفت کلماتش تنها یاد نبود که یکسره شوق و شور و هیجان می شد. دیده بود که با مصدق، جامع<sup>۱</sup> ایرانی در راه استقلال و آبادانی و آزادی گام گذاشته است و سرافرازی و خجستگی را در برابر دارد.

ملکی که از سوسیالیسمی می گفت مستقل و غیروابسته به این یا آن قدرت جهانی. ملکی، استقلال در اندیشه، جسارت در عمل و روشن بینی سیاسی بود. امیر از فعالان حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) بود. و از جمله به سردبیری او بود که دور<sup>۲</sup> دوم ماهنامه<sup>۳</sup> "علم و زندگی" (صاحب امتیاز و مدیر مسئول: خلیل ملکی) انتشار یافت (فروردین - تیر ۱۳۳۲). او در سالهای تحصیل و اقامت در اروپا، کوشش در راه سوسیالیسمی مستقل و غیر اردوگاهی را هرگز رها نکرد؛ امیر از بانیان و پایه گذاران اصلی "جامع<sup>۴</sup> سوسیالیستهای ایرانی در اروپا" (۱۳۳۸) بود. و تا آن زمان که "جامعه" فعال بود او هم از گردانندگان و مسئولان اصلی آن بود و هم<sup>۵</sup> توان خود را در خدمت به اهداف جامعه بسیج می کرد. بدون او نه ماهنامه<sup>۶</sup> "سوسیالیسم" می توانست وجودی داشته باشد و نه خبرنامه ای در کار بود که از مبارزات و مقاومتهای ایران بنویسد و ازین دادگاه و از آن اعتصاب و اعتراض خبری برساند و نه کتابها و جزوه ها و نشریات دیگر.

امیر، خودسری و خودکامگی را بر نمی تابید. در برابر ظلم و سرکوب و خفقان و زندان و شکنجه و اعدام یکپارچه فریاد خشم و اعتراض می شد. و هرگز و در طی سالیان از تلاش و کوشش در راه آرمانهای آزادی، استقلال، برابری و بهروزی مردمان باز نایستاد و در این راه، در کمال یکدلی و یکرنگی، هر آنچه می توانست با صمیمیت و از سر عقیده و اعتقاد انجام داد.

یادش بیدار و پایدار.

نعمت آزر؛ فرهاد آسور؛ مریم آسور؛ داریوش آشوری؛ آرمن آبدالیان؛ فریدون احمدی؛ نادر اسکوئی؛ ایرج اشراقی؛ احمد اشرف؛ رضا اغنمی؛ صدرالدین الهی؛ بابک امیرخسروی؛ محمد امینی؛ فریدون بابائی؛ خامنه؛ فیروز باقرزاده؛ مهران براتی؛ فرامرز بهار؛ سهراب بهداد؛ ناصر پاکدامن؛ تقی تام؛ منیژه تام؛ حمید جاذب؛ بابک جزنی؛ میهن جزنی؛ محمد جلالی (م.سحر)؛ فرشید جمالی؛ محمدرضا جواهریان؛ لیلی حاج سیدجوادی؛ نگار حاج سیدجوادی؛ مهدی خانبا با تهرانی؛ احتشام

درخشانی؛ محمدرضا رادمنش؛ منوچهر رسا؛ علی رضوی؛ محمود رفیع؛  
فرهمند رکنی؛ احمد رناسی؛ سعید رهنما؛ مجید زربخش؛ ساقی ساعدلو؛  
فرانسواز ساعدلو-توماس؛ هوشمند ساعدلو؛ نیما ساعدلو؛ هوشنگ  
سیّاح؛ خسرو سیف؛ محمدرضا شالگونی؛ الاله شکرایبی؛ حماد شیبانی؛  
علی شیرازی؛ حمید عروجی؛ همایون علی زاده؛ آنا عنایت؛ بیژن  
فؤادی؛ فرهنگ قاسمی؛ شهرام قنبری؛ مینو قندهاریان؛ کیان  
کاتوزیان-حاج سیدجوادی؛ همایون کاتوزیان؛ کاظم کردوانی؛ علی  
کشتگر؛ اسفندیار کریمی؛ بهاره کشاورزصدر؛ زریون کشاورزصدر؛  
مازیار کشاورزصدر؛ حسن کیان زاد؛ علی گوشه؛ کریم لاهیجی؛ علی  
متین دفتری؛ مریم متین دفتری؛ هدایت متین دفتری؛ نوش آذر مجللی؛  
هادی مرتضوی؛ احمد مشعوف؛ بهروز معظمی؛ شیوا معیری؛ عباس معیری؛  
مجتبی مفیدی؛ البرز ملک؛ مَکّی ملک؛ باقر مؤمنی؛ نیو نابت؛ شیدا  
نبوی؛ علی ندیمی؛ شیدان وثیق؛ محسن یلفانی.